

سابقه‌انبروهای احتیاط و ذخیره در ایران (قوانین، سازماندهی، آموزش، نحوه‌ احضار، استعداد و...)

سید ناصر حسینی^۱

چکیده

برای اولین بار در تاریخ ایران، قانون نظام وظیفه عمومی، نیروی احتیاط و ذخیره در سال ۱۳۰۴ مطرح گردید و با اینکه چندین بار تغییراتی در آن ایجاد شده بود اما تا سال ۱۳۵۹ (شروع جنگ تحمیلی) موضوع احتیاط و ذخیره عملاً به مرحله‌ اجرایی وارد نشده بود تا اینکه در شرایط بحرانی جنگ تحمیلی و کمبود نیروی سرباز در یگان‌های ارتش، تصمیم به فراخوانی یک دوره از آخرین ترخیص‌شدگان خدمت وظیفه عمومی گرفته شد. جهت بهره برداری بهینه از قانون نظام وظیفه عمومی، نیاز به ایجاد ساز و کارهایی جدید و متناسب با زمان و شاید بازنگری در قانون به منظور رسیدن به یک فرآیند کلی در سطح تصمیم‌گیری و تنظیم راه‌کارهایی است که بتواند در شرایط بحرانی و جنگ، نیروهای احتیاط را طبق قانون وظیفه عمومی جهت تقویت بینه دفاعی کشور مهیا نمود، تا با کمترین مشکلات و هزینه بتوان بدنه نیروهای مسلح کشور را به نیروی بی‌پایان مردمی متصل نمود و از پشتیبانی مردمی برخوردار سازد.

کلید واژگان:

قانون نظام وظیفه عمومی، نیروهای احتیاط و ذخیره، سربازی، جهاد

^۱ - مشاور عالی فرمانده کل آجا

مقدمه

اگرچه موضوع اصلی ما در این مقاله جهاد نیست لیکن عمومی بودن بحث جهاد و دفاع در شرع مقدس اسلام مقدمه بسیار خوبی برای ورود به بحث اصلی ما را فراهم می‌کند. نزول آیات فراوان قرآن کریم در مورد جهاد، قتال و امر به آمادگی مسلمانان در مقابل دشمنان، دفع خطرات و توطئه احتمالی آنها و تبلیغ یکتاپرستی مقاصدی است که مکتب‌های بخش اسلام به آنها توجه خاص دارد. این امر نشان از واقع‌گرایی اسلام در زمینه نگاه به جوامع انسانی و رقابت بین بازیگران سیاسی دارد و چنانچه مسلمانان بر این امر خطیر و دستور اکید اسلامی کردن می‌نهادند به قطع یقین شرایطی بهتر از وضعیت کنونی داشتند و سیادت و آقایی بر جهان را از آن خود کرده بودند.

۲- جهاد و دفاع

۲-۱- جهاد در قرآن

قرآن کریم به ۳۳ مورد واژه جهاد و ۳۱ مورد از واژه قتال و مشتقات و کلمات هم خانواده آنها اشاره کرده و با تجلیل و احترام در مورد آنها سخن گفته است و هر دو واژه مورد تقدیس و تقدیر خداوندی واقع گردیده‌اند. در این قسمت به عنوان نمونه به چند مورد از آیات قرآنی اشاره می‌شود.

کتب علیکم القتال و هو کره لکم و عسی ان تکرهوا شیئا و هو خیر لکم و عسی

ان تحبوا شیئا و هو شر لکم والله یعلم و انتم لا تعلمون (بقره - ۲۱۶)

حکم پیکار و قتال در راه خدا بر شما نوشته و مقرر گردید و حال آنکه بر شما ناگوار و سنگین است، ولی چه بسیار چیزهایی که برای شما ناگوار و مشقت‌آمیز است اما در حقیقت خیر و صلاح شما در آن است و چه بسیار چیزهایی را که دوست می‌دارید ولی در واقع شر شما در آن است و خداوند به مصالح امور دانا است و شما نمی‌دانید.

۲-۲- بسیج یا آمادگی عمومی برای جنگ:

و اعدو الله ما استطعتم من قوه و من رباط الخیل ترهبون به عدو الله و عدوکم (انفال - ۶۰)

"آن اندازه که در توان خود دارید، از قوه و قدرت و اسبان سواری فراهم سازید بقدری که در دل دشمنان خدا و دشمنان خودتان رعب و هراس ایجاد کنید."

انفروا خفافا و ثقلاً و جاهدوا باموالکم و انفسکم فی سبیل الله ذلکم خیر لکم ان کنتم تعلمون (توبه-۴۱)

"برای جنگ با کفار سبک بار و مجهز بیرون شوید و در راه خدا با مال و جان خود جهاد کنید این برای شما بهتر خواهد بود اگر بدانید."

یا ایها الذین امنوا امنوا خذوا حذرکم فانفروا ثباتاً وانفروا جمیعاً (نساء-۷۱)

"ای اهل ایمان سلاح جنگ بگیرید و آنگاه دسته دسته یا به یکباره بیرون روید." نهج البلاغه و سایر آثار اسلامی نیز به این اصل مهم اسلام که به عنوان یکی از فروع دین و همردیف نماز مهم شمرده شده است تأکید دارند.

۲-۳- جهاد و شهادت از دیدگاه نهج البلاغه:

موضوعاتی که نهج البلاغه در مورد جهاد بطور مشروح به آنها پرداخته اجمالاً به شرح زیر است:

الف - فضیلت و نتایج جهاد و عواقب ترک آن

ب - پایداری و مقاومت در میدان جهاد

ج - فنون مبارزه و روش جنگ

د - شوق شهادت در راه جهاد برای خدا

و در مجموع ۱۰۳ بار نام جهاد و مشتقات آن (پیکار و قتال، حرب و محاربه در راه خدا) در نهج البلاغه آمده است. (همان: ۹۶)

۲-۴- غزوات و سرایای پیامبر اسلام(ص):

سیره و زندگی پر برکت پیامبر گرامی اسلام، بویژه در مدت ده سال تشکیل حکومت اسلامی پس از هجرت به مدینه، که حدود نود و هشت مورد جنگ و قتال را به خود اختصاص داده بیانگر آن است که جنگ با کفار و دفاع از حکومت اسلامی بخش مهمی از برنامه های ایشان را تشکیل می داده و همین امر موجبات موفقیت و سر بلندی حکومت اسلامی در آن مدت کوتاه از تاریخ اسلام را باعث گردیده است.

غزوات و جنگهایی که پیامبر اسلام(ص) در طول ده سال حکومت خود پس از هجرت به مدینه و تشکیل دولت اسلامی، خود مستقیماً در آنها شرکت داشتند (غزوه) و یا شخصی را به فرماندهی آنها بر می‌گزیدند(سریه) به شرح زیر می‌باشد.

- غزوه ۱۸ مورد

- سرایا ۸۰ مورد

- جمع ۹۸ مورد (یاسین: ۹۸)

۵-۲- مسأله ۲۸۲۶ از رساله امام خمینی (ره) در مورد وجوب دفاع

مراجع عظام تقلید و علمای اسلام نیز به بحث جهاد و دفاع توجه ویژه ای داشته و دارند و از آن جمله است فتوای حضرت امام خمینی (ره): «اگر دشمن بر بلاد مسلمانان و سرحدات آن هجوم نماید، واجب است بر جمیع مسلمانان دفاع از آن به هر وسیله ای که امکان داشته باشد، از بذل جان و مال، و در این امر احتیاج به اذن حاکم شرع نیست.» (رساله حضرت امام (ره))

۶-۲- دیدگاه‌های مختلف در مورد جنگ:

موسی بن میمون، پزشک، فیلسوف و فقیه یهودی - که تلاش می‌کرد تا بین ایمان و خرد آشتی برقرار کند- در مورد حقوق جنگ در تورات و انجیل می‌گوید:

" در موقع تهاجم مسلحانه دشمن، تمام مردم باید بجنگند ولی در جنگ‌های تجاوزکارانه فقط داوطلبان شرکت می‌کنند."

موسی بن میمون همچنین در مورد انواع جنگ، می‌گوید دو نوع جنگ وجود دارد، "جنگهای ضروری و لشگرکشی‌های داوطلبانه که جنگهای نوع اول برای دفاع از سرزمین ملی و جنگهای نوع دوم برای کشور گشایی است. در جنگهای نوع اول شاه با استفاده از اختیارات خود وارد جنگ می‌شود؛ اما در جنگهای نوع دوم، رضایت و مصوبه «سان هدرن» (دادگاه یهودیان کهن در اورشلیم) برای شاه لازم است." (بوتول: ۱۷-۱۸)

هابز فیلسوف انگلیسی قرن شانزدهم و هفدهم که پیرامون رفتار انسانها و دولتها نظریه پردازی کرده است، جنگ را بخش اجتناب ناپذیر از زندگی انسان قلمداد کرده و نظریه «جنگ همه بر

ضد همه» از اوست. وی در مورد دلایل منازعه، جنگ و کشمکش انسانها چنین می‌گوید: "در نهاد آدمی سه علت اصلی برای کشمکش و منازعه وجود دارد. نخست رقابت؛ دوم ترس؛ سوم طلب عزت و افتخار. علت اول آدمیان را برای کسب سود؛ علت دوم برای کسب امنیت؛ و علت سوم برای کسب اعتبار و شهرت به تعدی وا می‌دارد." (هابز: ۱۵۸)

بنابراین در صورتی که با دید واقع‌گرایانه به جهان بنگریم، ملتها در هر دوره ای از ادوار تاریخی بایستی برای جنگ و دفاع آماده باشند، تا همیشه سربلند و عزیز باشند، در غیر اینصورت عزت، آبرو و شرف آنها زیر چکمه زورگویان پایمال خواهد شد.

جهان یکسره جای زور است و بس سزاوار بی زور گور است و بس
علیهذا با ذکر این مقدمه به تبیین وضعیت آمادگی نظامی، طریقه بسیج نیرو و احتیاط در گذشته و حال ایران می‌پردازیم. ابتدا در این قسمت برای روشن شدن وضعیت نظامی اقوام پیشین و نحوه گردآوری و بسیج نیرو در ادوار گذشته به برخی سلسله‌های ایرانی اشاره می‌نمائیم.

۳- سازمان نظامی ایران در گذر تاریخ

۱-۳- زمان ساسانیان

ایرانیان و رومیان در نیرو و توانایی نظامی و سازماندهی آن و نیز روشهای جنگی نسبت به سایر اقوام ممتاز و برتر بوده‌اند. ایرانیان، سازمان صفوف در پیاده نظام و سواره نظام را می‌شناخته‌اند، چنانکه سازمان یگانها را (که حدود ششصد نفر را دربر می‌گرفت) می‌شناختند. همین طور نیز ایرانیان انواع جنگجویان را در لشکر خویش مثل، اسب سواران، اسب سواران تیرانداز، گروه خالدین (گروهی از سواران که برجسته بودند)، گروه فدائین (گروهی از سواران که به شهامت و خطرپذیری ممتاز بودند)، فیل سواران، پیادگان و گروه احتیاط را سازماندهی کرده بودند.

گروه احتیاط، گروهی از قبایل جنگجو بودند که در اطراف و نواحی سرزمین ایران ساکن بودند و برای جنگ بسیج می‌شدند. آنان معمولا جنگجویان ممتازی بودند که فرمانده آنان نیز یکی از مردم بومی همان منطقه بود. بعضی از گروهها بصورت سواره می‌جنگیدند.

کسری انوشیروان اصلاحات وسیعی در سازمان نظامی خود به اجرا در آورد و از مهاجران بیگانه نیز در آن بهره برد. (یاسین: ۵۶-۵۷)

فردوسی شاعر حماسه سرای ایرانی نیز دوران ساسانی را چنین توصیف می کند:

به درگاه چون خواست لشگر فزون
فرستاد بر هر سوی رهنمون
که تا هر کسی را که دارد پسر
نماند که بالا کند بی هنر
سواری بیاموزد و رسم جنگ
به گرز و کمان و به تیر خدنگ
چو کودک ز کوشش به نیرو شدی
بهر بخششی در بی آهو بدی
زکشور به درگاه شاه آمدند
بدان نامور بارگان آمدند
نوشتی عرض نام دیوان اوی
بیاراستی کاخ و ایوان اوی
چو جنگ آمدی نورسیده جوان
برفتی ز درگاه با پهلوان
هر آن کس که در جنگ سست آمدی
به آورد نا تندرست آمدی

(فردوسی، ج ۲: ۱۲۱۸)

۲-۳- دوره صفاریان (از ۲۵۴ تا ۳۹۹ ه. ق.)

پس از پایان کار ساسانیان، امیران عرب، لشگریانی نیز از ایرانیان تحت فرمان خود داشتند که در میدان های جنگ، پیکار می کردند. این نفرات سرو سامان درستی نداشتند و موقتی بودند. با ظهور یعقوب لیث در شرق ایران، گروه فراوانی از ایران به دور او گرد آمدند و بدین سان لشگری بر اساس پیرامونیان او که «عیاران» نامیده می شدند، پدید آمدند.

به نوشته تاریخ سیستان که کهن ترین سند درباره صفاریان است، در آن زمان سپاهیان یعقوب لیث صفاری معمولاً از سه بخش تشکیل می شدند.

- موالیان که سربازان معمولی بودند.
- سرهنگان که از زرخیده های آزاد شده بودند و هر کدام از آنها یک هزار سوار زیر امر خود داشتند.

- آزادگان که از دهقانان و نجیب زادگان و ثروتمندان تشکیل می شدند و خود دنباله «آزادگان سگستان» دوران ساسانی به شمار می آمدند.

از سوی دیگر لشکریان صفاری به دو دسته بزرگ پیاده و سواره تقسیم می‌شدند که رسته سواره بیشتر از دو گروه سرهنگان و آزادگان بودند که می‌توانستند برای خود اسب و جنگ افزار مناسب تهیه کنند. (بابایی، ۱۳۸۲: ۳۴)

۳-۳- ارتش دیلمیان (از ۳۱۶ تا ۴۴۷ ه. ق)

مردم گیلان و دیلمیان که سرزمینشان در پشت کوه های البرز و کرانه دریای مازندران است از زمان قدیم به دلاوری و جنگجویی معروف بودند و در پناه جنگل ها و کوهستان های سرزمین خود که از استوارترین بخش های ایران است. خودسر و آزاد زیسته و کمتر زیر فرمان پادشاهان و فرمانروایان می‌رفتند.

سپاهیان دیلمی به دو گونه بودند، یکی سپاهیان ورزیده همیشگی که آموزشهای جنگی می‌دیدند و در برابر کار خود مزد دریافت می‌کردند.

دوم سپاهیان «حشر» یا «حشری» که هنگام جنگ به سپاهیان همیشگی می‌پیوستند و برای غارت و چپاول دشمن می‌جنگیدند.

سوار نظام ارتش ایران، خود از دو دسته همیشگی (ثابت) و موقتی تشکیل شده بود. سوارگان همیشگی، سپاهیان سواری بودند که در پایتخت و شهرهای بزرگ ایران همواره در خدمت ارتش بودند و به هنگام نیاز به مرزها و میدان های کارزار گسیل می‌شدند. سوارگان موقتی سپاهیان بودند که هنگام صلح و آرامش در شهرها و روستاها بکار خود می‌پرداختند و به هنگام نیاز بسیج شده، در رده جنگاوران دیگر به میدان های نبرد می‌شتافتند. (همان: ۳۶)

۳-۴- دوره صفوی (از ۹۰۷ تا ۱۱۳۵ ه. ق.)

ارتش ایران در آغاز پادشاهی این دودمان، شصت هزار سوار بومی داشت که از سران و یگه‌های هفت تیره بزرگ؛ شاملو، تکلو، استاجلو، ذوالقدر، افشار، قاجار، و بهارلو برگزیده شده بودند. این تیره‌ها که از سرسپردگان شیخ صفی و فرزندان و نوادگان او بودند، به پیروی از پیشوایان خود چون کلاه سرخ دوازده ترکی بر سر نهاده و دستاری سفید دور آن می‌بستند و به

«قزلباش یعنی سرخ سر» معروف بودند و این کلاه در آن روزگار نشانه وفاداری به خاندان صفوی و سرداری و بزرگی و بزرگ زادگی بود.

سپاهیان قزلباش سازمان پایداری نداشتند و سواران و جنگاورانی بودند که تنها از سرکردگان خود فرمان می بردند. همین امر باعث خودسری و سرپیچی از فرمان شاه می شد که به زیان کشور و خاندان صفوی بود. از این رو سرانجام شاه عباس برای کاستن از نیروی قزلباش و نشاندن آنان بر جای خود، سپاه دیگری با بیست هزار نفر سوار و دوازده هزار نفر پیاده از سربازان و یکه های تیره های گوناگون بسیج کرد که بنام «شاهسون» یعنی دوستدار شاه خوانده شد. این سپاه، ارتشی حرفه ای و حقوق بگیر بودند. با روی کار آمدن شاهسون ها، قزلباش ها کم کم از ارج و بهایی که داشتند، افتادند و نامشان رو به فراموشی نهاد.

لازم به ذکر است که در این دوره با کوشش برادران شرلی و دستیارانشان با این سپاهیان آموزش های نوینی داده شد که در آمادگی آنان بسیار کارگر افتاد و آنان را با روش های جدید نبرد در میدان ها، و پیکار با جنگ افزارهای گرم آشنا ساخت و نیز کارخانه های توپ ریزی و جنگ افزار سازی در اصفهان برپا گردید که تا سال ۱۲۲۴ هـ.ق، همچنان کار می کرد.

سازمان ارتش ایران با دگرگونی هایی که برادران شرلی در آن پدید آوردند، در زمان شاه عباس چنین بود:

الف) سواران: که خود به سه بخش تقسیم می شدند.

- قزلباش ها

- قوللر (غلامان گرجی، ارمنی و چرکسی)

- قورچیلر (گارد ویژه شاهان صفوی)

ب) پیادگان (تفنگچی لر)

ج) توپچیلر

د) نسقچیلر (راهداری و راهبانی بعهده نسقچی ها بود.) (همان، ص ۳۷-۳۹)

مجموع سپاهیان ایران در دوره صفویه (۹۳۶ هـ.ق) در زمان جنگ با عبید خان ازبک که توسط شاه طهماسب اول از آنان سان دیده شد، به نقل از خلاصه التواریخ، ۱۰۲۶۰۰ نفر ذکر شده که در

آن زمان در مقایسه با کشورهای بزرگی مثل اسپانیا، فرانسه، انگلستان، سوئد و ایالات متحده هلند به مراتب پر استعدادتر بوده است. (نورایی، ۱۳۸۰: ۴۷)

۵-۳- دوره نادری (از ۱۱۴۸ تا ۱۱۶۳ ه.ق.)

سازمان ارتش نادری با ارتش دوران صفوی از تفاوت چندانی برخوردار نبود. در زمان نادرشاه، ارتش و سپاهیان ایرانی، طوری توانایی و سرو سامان یافتند که مانند آن را در دوره‌های دیگر کمتر می‌توان دید.

یکی از تاریخ نویسان درباره او در کتاب خود می‌نویسد:

«نادرشاه یکی از مردان شگفت آوری بود که روزگار هرگز مانند او را به یاد نیاورده است، چه او گذشته از آن که همه خوی نیک سربازی را با خود داشت، جریزه فرماندهی وی به پایه‌ای بود که می‌توان گفت هیچ یک از سرداران نامی جهان دوران سلحشوری و جنگ آوری خود را هم چون نادر به حد کمال نیپموده و در فرماندهی به پایگاه والای او نرسیده است.»

لرد کرزن در همین زمینه می‌نویسد:

«ارتش نیرومندی که نادرشاه پدید آورد، از دیده دلیری و آموزش سپاهیگری در میان ارتش‌های آن روزگار بی‌مانند بود و با همین ارتش بود که لشگرکشی‌های بزرگ و پردامنه خود را انجام داده، به کشورگشایی‌های تاریخی کامیاب شد و نام و آوازه‌اش در جهان آن روز در همه جا پیچید. این ارتش نیرومند، تا زمان کریم‌خان زند و آقامحمدخان قاجار هنوز دلیری و بی‌باکی سرشار خود را از دست نداده بود و کامیابی‌های سردودمان قاجار در پایداری ایمنی در سرتاسر ایران و نگاهبانی و نگاهداری مرزهای آن مدیون بازمانده همین ارتش و همان روحیه بوده است.»

ارتش ایران در دوران نادری از چهار دسته تشکیل می‌شد که عبارت بود از: سوارگان،

پیادگان، توپچیان، زنبورکچیان و مهندسان. (بابایی، ۱۳۸۲: ۴۰)

سپاه نادر را عمدتاً سواره نظام تشکیل می‌داد و معمولاً وی در تمامی نیروها حضور داشته و پیشاپیش سربازان خود به صفوف دشمن حمله ور می‌شد. شاید رمز موفقیت او در نکاتی چون زندگی ساده سربازی، حضور مستمر در بین سپاهیان، شجاعت، بی‌باکی و صفاتی نظیر آنها بوده

است. نادر به هنگام حمله به هندوستان قریب ۱۶۰۰۰۰ سپاهی به همراه داشت که طبق گفته وقایع نگار نادری کلیه نفرات اعم از سرباز یا خدمه اردو، سوار بوده و حتی یک نفر هم پیاده نبوده است. یک اروپایی که سپاهیان نادر را در حال پیشروی دیده است، می گوید:

"تعداد آنها بیش از ۲۰۰۰۰۰ نفر بوده که مخارج نگاهداری آن با فرماندهانش، سرانه در سال صد کورن، یا بیست و پنج لیره بود، بنابراین جمع هزینه نظامی سالانه او بالغ بر ۵۰۰۰۰۰۰ لیره می گردید." (نورایی، ج ۱، ۱۳۸۰: ۶۴)

۳-۶- سپاهیان دوره قاجاریه تا اواسط سلطنت ناصرالدین شاه:

ارتش ایران در این زمان به طور کلی از دو قسمت به نام قشون پارکابی و قشون ولایتی تشکیل می شد. قشون پارکابی شامل ۷۵ هزار نفر، همیشه ملتزم رکاب شاه و قوای ولایتی به فرماندهی شاهزادگان و حکام محلی و سران ایالات بوده اند.

از زمان ناصرالدین شاه (۱۲۶۴-۱۳۱۳ قمری) علاوه بر عناوین مذکور دو اصطلاح «قشون متوقف» و «قشون متحرک» نیز وضع و معمول گردید. (بابایی، ۱۳۸۲: ۵۳)

نکته قابل ذکر آن است که، آنچه در این مقاله مورد توجه می باشد نحوه سربازگیری، نیروهای احتیاط و ذخیره است که بصورت حرفه ای و حقوق بگیر در ارتش حضور ندارند، و در مواقع ضروری و بحرانی به خدمت فراخوانی می شوند. لذا به همین دلیل از ذکر سایر خصوصیات و ویژگی های ارتش زمان قاجار خودداری می گردد.

۴- نحوه سربازگیری در ایران در گذر تاریخ

۴-۱- نحوه سربازگیری در ۱۲۲۲ ق.ه / ۱۸۰۷ م

ژنرال گاردان در گزارش خود در مورد نحوه سربازگیری در این دوره چنین می گوید:

«در ایران هر ایل ملزم است مقدار معینی سوار بدهد و نحوه سربازگیری در ایران به روش ملوک الطوائفی است، هر استان و هر شهرستان، به استثناء چند شهر، باید عده ای سرباز سوار، با اسب بدهد و اگر سربازی فرار کند، یکی از بستگانش را به جای او به خدمت سربازی خواهند برد.» ژنرال گاردان در ادامه می گوید: «همین قدر می دانیم برای اینکه سربازان مزبور با رغبت

۶۳
بیشتری خدمت کنند از مالیات سالانه احشام معاف می‌شوند و مبلغ این مالیات حدود پانزده تومان است. بعلاوه به هر سرباز به جهت تأمین معاش خانواده‌اش مقداری زمین جهت کشت و زرع می‌دادند و حاصل آن زمین به او تعلق داشت و جیره روزانه‌شان عبارت بود از روزی یک من جو، دو من کاه و یک چارک گندم، مگر در فصل بهار که به اسبها علف تازه می‌دادند.» (بابایی، ۱۳۸۲: ۱۹۳)

۲-۴- تصویب و اجرای قانون «بنیچه» توسط امیرکبیر ۱۲۲۶ ه.ش:

در فرهنگ معین در تعریف از بنیچه آمده است: "تعهد اهالی هر ده مبنی بر آماده کردن عده‌ای سرباز برای حکومت، برای اینکه قشون‌گیری هم مثل مالیات بر پایه و اساسی مستقر شود بنیچه مالیاتی را مآخذ دادن سرباز هم مقرر داشتند. خرج سفر سرباز تا محل اردوگاه و کمک خرج برای سرباز و پادارانه دادن به خانواده در مدت بودن او سر خدمت بر عهده صاحب بنیچه (مالک) بود" (معین ج ۱: ۴۶۷).

به موجب نوشته‌های باقی مانده از قانون بنیچه امیرکبیر "سی هزار نفر قشون حاضرالسلاح و شصت هزار نفر ذخیره" در نظر گرفته شده بود و این عده از میان رعیت به ترتیب سرشماری گرفته می‌شد. یعنی از هر ده نفر یک نفر به خدمت سربازی می‌رفت. اگر از میان رعایای پادار (متمکن) نبود، چند نفر دیگر باید صد تومان به صورت سرشکن جمع‌آوری نموده و برای او ملک و باغ و... می‌خریدند. به علاوه دولت سالانه شش تومان حقوق محلی برای خانواده و ماهانه هم هفت قران و نیم حقوق خدمت به سرباز می‌پرداخت. و هنگام احضار به خدمت نیز افراد گروه او یعنی نه نفر دیگر که سرباز نشده بودند یک خروار گندم به نام «خانواری» به عیال و اطفال او می‌دادند.

سرباز در مدت خدمت از پرداخت مالیات معاف بود و نیز یک نفر از اهالی ده خود را به نام «هم‌پا» معین می‌کرد که در غیاب وی به امور رعیتی مربوط به او رسیدگی کند و این شخص هم از تأدیه مالیات سرانه معاف بود. سربازانی که بدین نحو به خدمت احضار می‌شدند، برای هزینه راه خود از قرار هر فرسنگ، یک ریال و اگر سواره بودند یک ریال و نیم دریافت می‌کردند. (بابایی، ۱۳۸۲: ۱۹۷).

از زمان امیرکبیر به بعد همان قانون سربازگیری متناسب با دوره‌های مختلف تکمیل تر شده و به تصویب مراجع قانونی رسیده است.

۳-۴- قانون سربازگیری سال ۵۱۲۹۴.ش

ماده اول) اساس قشون گیری دولت ایران بر طرز بنیچه (خدمت اجباری خصوصی) است.
ماده دوم) افواج پیاده و دستجات سواره و توپخانه، حتی الامکان از بلوکات و ایلاتی که تاکنون مطابق بنیچه قشون می‌دادند گرفته شود.

این قانون شامل هیجده ماده بود و مدت خدمت وظیفه برای توپچی و سوار سه سال و برای پیاده دو سال تعیین شده بود.

در ماده ۲۰ دوره خدمت ۱۲ سال که سه سال وظیفه و نه سال بعنوان ذخیره قشون محسوب می‌شد. (علی بابایی، ۱۳۸۲: ۲۰۶)

۴-۴- قانون سربازگیری در سال ۱۳۰۱.ش:

ماده ۱) افواج پیاده و دستجات سواره و توپخانه، حتی الامکان از بلوکات و ایلاتی که تاکنون مطابق بنیچه قشون می‌دادند، گرفته شود.

این قانون تکمیل شده قانون سربازگیری سال ۱۲۹۴ بوده و در ماده ۲۰ در مورد نیروی احتیاط و ذخیره می‌گوید:

ماده ۲۰) مدت خدمت سربازی (مادامی که به طور بنیچه سرباز گرفته می‌شود) از اول دخول به خدمت برای هر فرد ۱۲ سال خواهد بود.

مجدداً این قانون در سال ۱۳۰۴ اصلاح شد و با توجه به نیاز کشور به ارتش با استعداد و جمعیت بیشتر، بر مبنای قانون جدید خدمت وظیفه جمعاً ۲۵ سال و شامل سه دوره تعیین شد.

- دوره خدمت نظامی به مدت شش سال (دو سال اول تحت السلاح و چهار سال بعد احتیاطی)

- دوره ذخیره به مدت ۱۳ سال (شش سال اول ذخیره مقدم و هفت سال بعد ذخیره تالی)

- دوره پاسبانی به مدت شش سال (همان: ۲۱۰)

پس از انقلاب اسلامی و با آغاز بحران‌های داخلی و جنگ تحمیلی هشت ساله عراق علیه ایران، نیروی انسانی مورد نیاز در دوران دفاع مقدس، با تکیه بر شور انقلابی ملت شریف ایران و پیروی بی‌نظیر مردم از رهبری حضرت امام (ره) و حضور داوطلبانه و قابل توجه مردم و سربازان مشمول در مناطق عملیاتی تأمین گردید که تا پایان جنگ این وضعیت ادامه یافت. شایان ذکر است که بسیج و اعزام نیروها به روش‌های متفاوت از میان اقشار مختلف مردم صورت می‌گرفت که نحوه بسیج نیرو در زمان دفاع مقدس، خود موضوعی جداگانه است که در جای خود بایستی به آن پرداخته شود. لیکن آنچه در این نوشتار مورد توجه است بسیج نیروی احتیاط و ذخیره در ارتش است که مورد بحث قرار می‌گیرد.

۴-۵- ماده ۴ قانون خدمت وظیفه عمومی مصوب ۱۳۶۳/۷/۲۹

پس از انقلاب نیز قانون سربازگیری قبل از انقلاب مورد تأکید، اصلاح و تصویب قرار گرفت و مدت خدمت وظیفه عمومی و احتیاط و ذخیره ۲۱ و مجموعاً سی سال تعیین گردید که گروه‌های سنی مشمول خدمت وظیفه عمومی (ماده ۴ قانون خدمت وظیفه عمومی مصوب ۲۹/۷/۱۳۶۳)، با استفاده از موارد مندرج در این ماده قانون و توزیع سنی جمعیت ایران، برای اتباع ذکور جمعاً ۳۰ سال، در گروه‌های سنی مختلف به شرح جدول زیر می‌باشد:

- دوره ضرورت ۲ سال ۲۱-۱۹ ساله ها

= دوره احتیاط ۸ سال ۲۹-۲۱ =

- دوره ذخیره اول ۱۰ سال ۳۹-۳۰ =

- دوره ذخیره دوم ۱۰ سال ۴۹-۴۰ = (نورایی، ج ۲، ۱۳۸۰: ۱۲۵)

با توجه به جدول فوق، آمار تقریبی جمعیت ذکور ۵۰-۱۹ ساله ها در سال ۱۳۸۴ نیروی ضرورت، احتیاط، ذخیره (۲۱) ۱۲۹۱۴۹۶۶ نفر برآورد می‌شود. که با پشتوانه قانونی در زمان مقتضی می‌تواند مورد استفاده قرار گیرد و توان بسیار بالایی را برای نیروهای مسلح فراهم نماید. در همین زمینه به یک نمونه از بسیج ملی و احضار نیروی احتیاط در جهان اشاره می‌شود.

۵- نمونه بسیج ملی در فرانسه

پس از انقلاب کبیر فرانسه اولین فرمان بسیج عمومی در سال ۱۷۹۴ میلادی به پیشنهاد کمیته نجات ملی این کشور تصویب و به شرح زیر اعلام شد:

" از هم اکنون تا هنگام رانده شدن دشمن، در سرزمین جمهوری، همه فرانسویان در بسیج دائمی برای خدمت به ارتش‌اند." پس از اعلام فرمان بسیج عمومی در مدت کوتاهی حدود ۵۰۰۰۰ نفر سرباز داوطلب بسیج شدند و در ادامه آن در بهار ۱۷۹۴م بیش از ۶۰۰۰۰۰ نفر به جبهه‌ها اعزام شدند. بطوریکه استعداد نیروهای مسلح فرانسه به ۱۲۰۰۰۰۰ نفر رسید. لذا بعدها این تجربه گران بها با رفع نقایص آن به قانونی تبدیل شد که نیروهای فرانسوی در جنگ جهانی اول ۲۹۰۰۰۰۰ نفر سرباز به جبهه‌ها اعزام کردند، همین کشور، در جنگ جهانی دوم زمانی که فرانسه در اشغال نیروهای آلمان بود ۶۰۰۰۰۰۰ نفر به جبهه اعزام کرد. (نورایی، ج ۲، ۱۳۸۰: ۳۰۴)

۶- آنچه در مورد نیروی ذخیره و احتیاط در ایران گذشت

برای اولین بار در تاریخ ایران، قانون نظام وظیفه عمومی، نیروی احتیاط و ذخیره در سال ۱۳۰۴ مطرح گردید و با اینکه چندین بار تغییراتی در آن ایجاد شده بود اما تا سال ۱۳۵۹ (شروع جنگ تحمیلی) موضوع احتیاط و ذخیره عملاً به مرحله اجرایی وارد نشده بود، ولی همچنان در قانون قید می‌گردید. تا اینکه در شرایط بحرانی پس از انقلاب و جنگ تحمیلی و کمبود نیروی سرباز در یگان‌های ارتش، با تشخیص صحیح فرماندهان وقت، تصمیم به فراخوانی یک دوره از آخرین ترخیص شدگان خدمت وظیفه عمومی گرفته شد که کارنامه آن به شرح زیر است:

- فراخوانی نیروی احتیاط در سال ۱۳۵۹ از بین ترخیص شدگان سال ۱۳۵۶

- مراجعه حدود ۸۵۰۰۰ نفر نیروی احتیاط به پادگان‌های نزا جا

- انجام آموزش دو هفته ای و اعزام به یگانها به صورت جایگزینی

شایان ذکر است که معایب، محاسن و نواقصی در اثر عدم آمادگی و برنامه‌ریزی مناسب وجود داشت که هرگز بررسی نشد. ضمناً بایستی اذعان کرد که این نیروها نیز به نوعی داوطلبانه به جبهه‌های جنگ اعزام شدند، چرا که هیچ وقت از متمرّدین این دوره و کسانی که به هر دلیلی از فرمان احضار و اعزام به جبهه‌ها سرباز زدند بازخواست نشد.

۱-۶- خدمت احتیاط در طول جنگ تحمیلی:

در طول سال‌های جنگ تحمیلی از آنجا که انبوه نیروی انسانی در دسترس همیشه مورد نیاز بود لذا با اضافه کردن مدت ۶ ماه به خدمت دوره ضرورت بعنوان دوره احتیاط، مدت حضور سربازان در دوره ضرورت و احتیاط مجموعاً ۲۴ ماه محسوب گردید و با استفاده از این اقدام قانونی، فرصتی بوجود آمد که افرادی که دوره خدمت ضرورت خود را در یگان‌های پشت جبهه می‌گذراندند. دوره شش ماهه احتیاط را به جبهه‌ها برونند و در گردان‌های احتیاط قدس نزاجا سازماندهی شوند و نزاجا با تشکیل گردان‌های احتیاط قدس در لشکرهای مختلف و قرار دادن آنها در خطوط پدافندی، یگان‌های اصلی و سازمانی را صرفه‌جویی کرده و در عملیات‌های آفندی بکار می‌گرفت. (به عنوان مثال لشکر ۲۸ کردستان که در طول دوران هشت سال دفاع مقدس و قبل از آن همواره در منطقه سرزمینی خود با ضد انقلاب فعال در کردستان درگیر بود با استفاده از این گردان‌ها توانست حتی در منطقه جنوب، در چندین عملیات آفندی شرکت نماید). علی‌هذا سوابق موجود حاکی است که با استفاده از این تدبیر، بیش از ۵۴ گردان احتیاط قدس تا پایان جنگ تشکیل شد، که پس از جنگ نیز همان گردان‌های احتیاط، در قالب گردان‌های سری هفتصد به پیکره اصلی نزاجا پیوستند.

۲-۶- ماموریت و وظایف معاونت احتیاط :

الف - ماموریت : طرح‌ریزی ، هدایت و نظارت در تشکیل و سازماندهی یگان‌های احتیاط.

ب - وظایف :

- معاون فرمانده نزاجا در امور مربوط به احتیاط.

- اداره و کنترل کلیه فعالیت‌های معاونت احتیاط نزاجا.

- تهیه و تنظیم صدور کارت پایان خدمت پرسنل وظیفه خدمت منقضی نزاجا.

۳-۶- اقدامات ستادی نیروی احتیاط در نزاجا:

با شروع جنگ تحمیلی اقداماتی به شرح زیر در رابطه با نیروی احتیاط در نزاجا انجام گردید:

- تشکیل ستاد موقت احتیاط در سال ۱۳۵۹

- تشکیل معاونت احتیاط نزاچا از دی ماه سال ۱۳۶۲
- انجام امور مربوط به احتیاط تا سال ۶۷ در معاونت احتیاط نزاچا
- پس از پایان جنگ تحمیلی تاکنون معاونت احتیاط، اموراداری مربوط به ترخیص شدگان از خدمت وظیفه و سازماندهی آنها در نیروی احتیاط و ذخیره را انجام می دهد.

- تشکیل ۱۵ رکن غیرسازمانی احتیاط در ۱۲ لشکر و یگان های مراپش، مرازرهی و گروه ۵۵ توپخانه اصفهان به عنوان بازوی اجرایی امور احتیاط در یگان ها

توضیح اینکه هر یک از این ارکان، دارای شعبات غیرسازمانی در یگان های سرزمینی و مجاور خود می باشند و نسبت به سازماندهی اولیه کلیه کارکنان ترخیصی نزاچا، در قالب گردان های احتیاط سازماندهی می نمایند لیکن از آنجا که تاکنون هیچ گونه اقدام عملی در رابطه با احضار، آموزش، سازماندهی و بکارگیری این نیروها و حتی سازمانی کردن قسمتهای مذکور، انجام نشده بایستی پذیرفت که این سازماندهی بر روی کاغذ تنها یک مبنای بسیار ضعیف در تداوم ساز و کار نیروی احتیاط و ذخیره در نیروی زمینی ارتش جمهوری اسلامی ایران می باشد و اشکالات اجرایی و ساختاری و اداری فراوانی بر آن وارد است.

معاونت احتیاط نزاچا، با در اختیار داشتن بانک اطلاعاتی خود می تواند کلیه ترخیصی های دوره های ضرورت را در سطح نزاچا، به سهولت سازماندهی نماید و چنانچه سایر پیش نیازهای قانونی و بودجه ای مربوط به امور فراخوانی احتیاط مرتفع گردد می توان نسبت به سازماندهی کلیه کارکنان احتیاط نزاچا به شکل تمرکزی و بر اساس فاکتور هایی از قبیل تاریخ اعزام، سال تولد، رسته، میزان تحصیلات و محل زادگاه یا سکونت آنها اقدام نمود؛ اما این اقدامات تنها مربوط به نیروهایی است که خدمت دوره ضرورت را در نزاچا می گذرانند و در مورد سایر نیروها و سازمانهایی که از نیروی وظیفه استفاده می کنند عمومیت ندارد لذا این خود از نقایص کار می باشد.

۷- نتیجه گیری:

قانون نظام وظیفه عمومی در ایران یکی از مترقی‌ترین و پیشرفته‌ترین قوانین است و در عین حال به عنوان یک سرمایه استراتژیک و ملی در حوزه‌های دفاعی و امنیتی و توسعه و آبادانی کشور محسوب می‌شود که دارای ضمانت اجرایی و تعمیم در سطح کشور و پذیرش از سوی جامعه می‌باشد؛ لیکن برای بهره برداری بهینه از آن نیاز به ایجاد ساز و کارهایی جدید و متناسب با زمان و شاید بازنگری در قانون بمنظور رسیدن به یک فرآیند کلی در سطح تصمیم‌گیری و تنظیم راه کارهایی که بتواند در شرایط بحرانی و جنگ، نیروهای احتیاط را طبق قانون وظیفه عمومی جهت تقویت بنیه دفاعی کشور مهیا نمود می‌باشد. تا با کمترین مشکلات و هزینه بتوان بدنه نیروهای مسلح کشور را به نیروی بی پایان مردمی متصل نمود و از پشتیبانی مردمی برخوردار سازد. شایان ذکر است که در بازنگری قوانین و طرحریزی برای سازماندهی نیروی احتیاط و ذخیره بایستی به مشکلات ناشی از فراخوانی نیروها، آمار جمعیت ذکور و فعال جامعه، انعطاف‌پذیری در قانون متناسب با وضعیتهای مختلف و محدودیتهای بودجه ای و... توجه داشت که در صورت بهره مند بودن از چنین نیرویی می‌توان به مقاصد زیر نایل شد:

- ۱) تقویت استراتژی بازدارندگی
 - ۲) کاهش نیروهای مسلح در زمان صلح
 - ۳) تکمیل استعداد نیروی انسانی یگان‌های ارتش و سایر نیروهای مسلح در مواقع لزوم
 - ۴) تکمیل استعداد نیروی انسانی یگان‌های احتیاط
 - ۵) تشکیل یگانهای جدید به هنگام نیاز برای تقویت نیروهای مسلح
 - ۶) جایگزینی تلفات و ضایعات نیروی انسانی یگان‌های شرکت کننده در عملیات
 - ۷) جابجایی و تعویض برخی پرسنل پایور ثابت در ستادها، مراکز آموزشی و یگانهای پشتیبانی، بمنظور استفاده از آنها در یگان‌های عملیاتی و بالعکس.
- ضمناً بایستی به این نکته توجه داشت که این اقدامات تنها می‌تواند در زمان صلح انجام گرفته، تمرین و نهادینه شود. در غیر این صورت بعد از آغاز جنگ و بروز بحران در کشور امکان احضار، سازماندهی، تجهیز و اعزام بسیار ضعیف تر می‌گردد.

منابع و مأخذ:

- ۱- بوتول، گاستون، (۱۳۸۰)، **جامعه شناسی جنگ**، ترجمه، هوشنگ فرخجسته، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
- ۲- حضرت امام خمینی (ره)، رساله **توضیح المسائل**.
- ۳- فردوسی، ابوالقاسم، (۱۳۸۲)، **شاهنامه** ج ۲، تهران: انتشارات هرمس.
- ۴- علی بابایی، غلامرضا، (۱۳۸۲)، **تاریخ ارتش ایران**، تهران: انتشارات آشیان.
- ۵- معین، محمد، (۱۳۸۲)، **فرهنگ فارسی معین** ج ۱، تهران: نشر سی گل.
- ۶- نورایی، منوچهر، (۱۳۸۰) **بسیج ملی** ج ۱، تهران: دانشگاه عالی دفاع ملی.
- ۷- نوری، حسین، (۱۳۶۶) **جهاد**، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
- ۸- هابز، توماس، (۱۳۸۱) **لویاتان**، ترجمه حسین بشریه، تهران: نشر نی.
- ۹- یاسین، سرتیپ سوید، (۱۳۶۵) **اصول و مبانی هنر جنگ در اسلام**، تهران: دانشگاه امام حسین (ع).

